

راهی که خداوند بزرگ برای رشد و کمال انسان پیش روی او قرار داده، عبادت است؛ اما این عبادت برای اینکه بتواند ما را تغییر بدهد و بالا ببرد، باید شرایطی داشته باشد. این عبادات حداقلی و سطحی که غالباً برای رفع تکلیف انجام می‌شود، توانایی این را ندارد که ما را در

مسیر اصلاح و پیشرفت سیر بدهد.

عبادت خدایک ظاهر و یک باطن دارد. ظاهر آن همین ارکانی است که در عبادت مانند رکوع، سجده و قیام از ما سر می‌زند. روزگرفتن ظاهرش این است که انسان چیزی نمی‌خورد و نمی‌نوشد. ظاهر عبادت در واقع همان انجام تکلیف شرعی است. اما اصل عبادت دل دادگی و توجه قلبی و فکری کامل به ذات مقدس پروردگار است. عبادتی که انجام می‌دهیم، عمدتاً برای بازورکردن فطرت خداگرایی است.

باید دقت کنیم که ما دو فطرت خدانشناسی و خداباوری داریم. زمانی که امیدمان از همه جا قطع می‌شود و ناامید می‌شویم، در درون خودمان باور داریم که یک قدرت ناپیدا و نامرئی به ما کمک می‌کند. این همان فطرت خداگرایی است.

امام صادق^(ع) به ملحدی که خدا را قبول نداشت، فرمودند: آیا تابه حال سوار کشتی شده‌ای؟ وی جواب داد: آری. حضرت فرمودند: آیا هیچ اتفاق افتاده است که کشتی شما غرق شود؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمودند: در آن وقت (غرق شدن کشتی) آیا قلبت متوجه جایی شده است که تو را از مهلکه نجات دهد؟ عرض کرد: بله. سپس حضرت می‌فرمایند: همان خداوند عالمیان است.

آنچه از عبادت با این فطرت خداگرایی ما ارتباط برقرار می‌کند، باطن عبادت است. اگر در نماز تمام حواس و توجه خود را به خداوند متمرکز و خودمان را متصل به خداوند متعال احساس کردیم، نیاز فطرت خداگرایی ما تأمین می‌شود و این خداگرایی در درون ما رشد می‌کند. درواقع به فعلیت می‌رسد و جلوه‌های توحید اگر در وجود شخصی تبلور پیدا کند، زندگی او را نیز دربرمی‌گیرد و همین موجب عزت دنیوی و اخروی او خواهد بود. نکته مهم این است که اگر ما عبادت واقعی را تشخیص ندهیم، دچار اشتباه و خطا می‌شویم. در فرصتی که خداوند متعال در ایام عمر به ما می‌دهد، باید بتوانیم خودمان را نشان دهیم، مثلاً در ماه رجب که ماه استغفار و عبادت است. توجه کنید که این اعمال شما فقط ظاهر عبادت نباشد و در باطن از این عبادت، رابطه‌ای با فطرت خداگرایی شما به وجود بیاید.

باطن عبادت اگر برای انسان حاصل نشد، نمی‌تواند به درستی در زندگی خودش رشد کند. به عنوان مثال یکی از مناسک شرعی ما قربانی کردن است که باید با تقوا همراه باشد و در نهایت با انجام این عمل شخص نفس خودش را در درگاه خداوند قربانی کند؛ زیرا این قربانی فقط یک نماد است که نشان می‌دهد این فرد آماده انجام دستورات الهی و مطیع فرامین حق است.

وجود مقدس امام سجاد^(ع) در مجلس یزید ملعون برای معرفی خودشان فرمودند: «انا ابن مکه و منی، انا ابن زمزم و الصفا...» یعنی من پسر حسینی هستم که مکه هویت او شده است، یعنی او هستی خود را چنان در راه خداوند فدا کرده است که خودش مکه، صفا و زمزم شده است و همین راه روشن پیش روی همه بندگان خداست که به اندازه توان و وسع در آن گام بردارند و به این مدارج انسانی و الهی دست پیدا کنند. در واقع مشغله‌های فکری و باطنی مانع توجه به باطن عبادت است؛ مشغله‌های حسی مانند صدا و تصویرها، مشغله‌های وهمی و خیالی مانند فکریایی که سر نماز به سراغ شما می‌آید، مشغله‌های غریزی مانند پول، مقام، قدرت و در نهایت بدترین مشغله یعنی مشغله چهارم مربوط به مغرور شدن به خود هنگام عبادت است.

آنچه ما را به خدا وصل می‌کند و حضور قلب را برای ما ایجاد می‌کند، اعتکافی است که در ماه رجب انجام می‌شود. هرکسی در این اعتکاف شرکت کند، همه مشغله‌هایش را کنار گذاشته است تا فقط به خداوند توجه کند.

اعتکاف در واقع هم نشینی با خداوند متعال است. در خلال اعتکاف، خداوند نیز با انسان ارتباط برقرار می‌کند. پیامبر اکرم^(ص) می‌فرمایند: «اگر دو چیز در شما نباشد، یکی موج‌زدن دل‌های شما و دیگری حدیث نفس‌های مکرر، هرچه من پیغمبر می‌شنوم و می‌بینم، شما هم می‌بینید.»

از خداوند بزرگ می‌خواهیم توفیق حرکت در مسیر خودش و بالا رفتن در پلکان بندگی و در نهایت، سربلندی دو دنیا را روزی مان کند. ان شاء...

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد

تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

اشارات

راه آسان شادکردن خدا

طیبه اشرفی^(۱) یکی از جلوه‌های امید بخشی آموزه‌های دینی برای گنه‌کاران و خطاکاران، توبه است که راه ناامیدی را سد می‌کند و امید بازگشت به دایره رحمت خدا را در دل‌های ما کارد. آموزه‌های روایی ما، هم معنای توبه، هم راه‌های

آن و هم برگشتن را تصریح و تأکید می‌کنند. امام علی^(ع) فرمودند: «توبه، عبارت است از پشیمانی بادل و آمرزش خواهی بازبان و ترک گناه در عمل و مصمم شدن بر تکرار نکردن آن.» (غررالحکم، ۲۷۲) پیامبر خدا^(ص) می‌فرمایند: «کسی که از گناه توبه کند، مانند کسی است که گناهی نکرده است» (کنز العمال، ۱۰۱۷۴)

از امام علی^(ع) است که فرمودند: «توبه دل‌ها را پاک می‌کند و گناهان را می‌شوید.» (غررالحکم، ۱۲۵۵)

روایات به توبه به عنوان راهی از راه‌های رضا و شادی خدا اشاره می‌کنند. پیامبر اسلام^(ص) می‌فرمایند: «هرآینه شادی خداوند از توبه بنده خود بیشتر است تا شادی نازایی که بچه می‌آورد و گرم‌گردای که گم شده‌اش را می‌یابد و تشنه‌ای که به آب می‌رسد.» (کنز العمال، ۱۰۱۶۵) از امام باقر^(ع) است که می‌فرمایند: «شاد شدن خداوند از توبه بنده‌اش بیشتر است تا شاد شدن مردی که در شبی تار و شر و ره‌توشه‌اش را گم کند و سپس آن را بیابد. خداوند از توبه بنده خود شادتر می‌شود تا آن مرد که از پیدا کردن شتر خود شادمان می‌شود.» (الکافی، ۸/۳۲۳/۲)

توبه به اندازه‌ای اثر دارد که حتی معصومان^(ع) به آن اهتمام داشته‌اند، چنان‌که پیامبر خدا^(ص) فرمودند: «به درگاه خدا توبه کنید که من روزی صد بار به درگاه او توبه می‌کنم.» (کنز العمال، ۱۰۱۷۱)

امام صادق^(ع) می‌فرمایند: «توبه، ریسمان خدا و لشکر عنایت اوست. بنده باید در هر حال بر توبه مداومت ورزد. هر گروهی از بندگان را توبه‌ای است؛ توبه انبیا از اضطراب درون و توبه اصفیا از نفس کشیدن [بدون یاد خدا] و توبه اولیا از وارد شدن خطورات گوناگون به دل و توبه خاسان از پرداختن به غیر خدا و توبه عوام از گناهان است.» (بحار الانوار، ۲۸/۳۱۷/۶)

روایات به آثار توبه هم اشاره می‌کنند. امام علی^(ع) می‌فرمایند: «به هر کس [توفیق] توبه داده شود، از قبول آن محروم نمی‌شود و به هر کس [توفیق] استغفار عطا شود، از آمرزش محروم نمی‌ماند.» (بحار الانوار، ۶۹/۴۱۰/۲۴) نیز می‌فرمایند: «آن‌که پشیمان شود، توبه کرده است. هرکه توبه کند، به سوی خدا بازگشته است.» (غررالحکم، ۷۸۴۲ و ۷۸۴۴)

همچنین از مولای متقیان علی^(ع) است که فرمودند: «گنه‌کاری که به گناه خویش اعتراف کند، بهتر از فرمان برداری است که به کار خویش بیبالد.» (غررالحکم، ۶۳۳۴) البته صرف توبه زبانی کفایت نمی‌کند، بلکه باید نشانه‌هایی هم داشته باشد، چنان‌که پیامبر خدا^(ص) فرمودند: «اگر نشان توبه در توبه‌کننده آشکار نشود، توبه نکرده است. باید شاکیان را راضی سازد. قضای نمازها را به جای آورد. با مردم فروتنی کند، خود را از خواهش‌های نفسانی به دور دارد و با روزه گرفتن، گردن خود را از راز کند.» (جامع‌الایصار، ۲۶/۵۷۶)

توبه انواعی هم دارد که در روایات ذکر شده است. از رسول اکرم^(ص) است که فرمودند: «برای هر گناهی توبه‌ای قرار ده؛ برای گناه پنهانی، توبه پنهانی و برای گناه آشکار توبه آشکار.» (بحار الانوار، ۷۷/۲۲/۱۷۷)

رسول خدا^(ص) در پاسخ به سؤال از توبه نصوح فرمودند: «توبه نصوح پشیمانی از گناهی است که از تو سر می‌زند. (سپس) فوری با پشیمانی خود، از خدا آمرزش بخواه و دیگر هرگز به آن برنگرد.» (کنز العمال، ۱۰۴۲۷)



آنچه در آموزه‌های دینی درباره مذمت رشوه بیان شده است

اهل رشوه؛ محروم از بوی بهشت

آمنه مستقیم | اسلام با آن نگاه بلند و جامع و عرضه برنامه کلان برای سعادت انسان، درباره مسائل مختلف به‌ویژه اقتصاد زندگی او تأمل کرده و راهکار داده و همه احتمالات را بررسی و برایشان باید و نباید ارائه کرده است تا راه را گم نکنیم. از جمله حساسیت‌های اقتصادی اسلام که در نباید آن تأکید و تصریح ویژه دارد و انجام آن را حرام می‌داند. دادن و گرفتن رشوه است.

توجیه رشوه‌بگیران

بعضی برای توجیه کار خلاف و حرام خود، نام‌های مختلفی بر رشوه می‌گذارند، مثل هدیه، تحفه، حق الزحمه، چشم‌روشنی و... آموزه‌های دینی روایی همه این‌ها را یکی و حرام می‌داند. شخصی به نام اشعث بن قیس، حلوایی به در خانه امام علی^(ع) به‌عنوان هدیه آورد تا شاید امام^(ع) در محکمه به نفع او رأی دهند. امیرالمؤمنین^(ع) فرمودند: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را بر من ببخشند تا پوست جویی را به ناحق از دهان مورچه‌ای بگیرم، این کار را نخواهم کرد.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴)

لعنت پیامبر^(ص) بر رشوه‌گیران

روایات اسلامی مقابله شدید و جدی با رشوه‌خواری کرده‌اند. پیامبر اکرم^(ص) می‌فرمایند: «خداوند لعنت‌کنند رشوه‌گیر و رشوه‌پرداز و کسی را که واسطه میان آن‌هاست (آن‌ها را از رحمت خود دور می‌گرداند).» (سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۶۰) امیرالمؤمنین^(ع) از قول پیامبر^(ص) که حوادث آینده را برای ایشان بازگو می‌کنند، می‌فرمایند: «ای علی! همانا این مردم به‌زودی با اموالشان دچار فتنه و آزمایش می‌شوند... حرام خدا را با شبهات دروغین و هوس‌های غفلت‌زا حلال می‌کنند، شراب را به بهانه اینکه آب انگور است و رشوه را به بهانه اینکه «هدیه» است و ربا را به بهانه اینکه نوعی «معامله» است، حلال می‌شمارند.»

کفر محض!

مکتب انسان‌ساز و متعالی اسلام به‌عنوان جریان زنده و بویا، رشوه را عملی زشت، نفرت‌انگیز و گناهی بزرگ و نابخشودنی معرفی می‌کند و انسان‌ها را از رشوه‌گرفتن و واسطه‌گری بین دهنده و گیرنده رشوه به‌شدت نهی کرده است. پیامبر^(ص) می‌فرمایند: «از رشوه بپرهیزید! چراکه رشوه، کفر محض است و رشوه‌خوار، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.» (بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۷۴) همچنین، امام باقر^(ع) فرمودند: «پیامبر اسلام^(ص) سه طایفه را لعنت کرده است... و سومین آنکه مردم به علم او نیاز داشته باشند و او از مردم رشوه بخواهد.»

این پول حرام است

بنابر آموزه‌های دینی، «رشوه» چیزی است که به کسی می‌دهند تا کاری برخلاف وظیفه خود انجام دهد یا حق کسی را ضایع کند یا حکمی برخلاف حق و عدالت بدهد. بنابر این، از جمله درآمدهایی است که در قرآن، احادیث و نیز در منابع فقهی حرام اعلام و از آن نهی شده است. هرچند که این امر در جامعه امروزی وجود دارد اما در قرآن کریم در این باره به «اکل به باطل» تعبیر شده و مورد مذمت قرار گرفته است؛ «و اموال یکدیگر را میان خود به باطل نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، آن را به حاکمان مکشائید درحالی که شما (حقیقت را) می‌دانید.» (بقره: ۱۸۸).

سد آرامش و عامل گسترش ظلم

درآمد‌های حرام از طرقی همچون رشوه بر نسل انسان تأثیر دارد، چنان‌که امام صادق^(ع) فرمودند: «اثر کسب‌های حرام در فرزندان به مرحله بروز و ظهور می‌رسد.» (کافی، ج ۱، ص ۳۶۳) علاوه بر این، رشوه امنیت روانی و آرامش خاطر را از انسان می‌گیرد. از پیامبر^(ص) است که فرمودند: «هیچ گروهی گرفتار رشوه نشدند، مگر آنکه گرفتار ترس و اضطراب و نگرانی شدند.» (نهج الفصاحه، ج ۳، ص ۲۶۹۳) رشوه همچنین عدالت اجتماعی را تضعیف می‌کند و به هر میزان این اتفاق رخ دهد، ظلم و جور در جامعه فراگیر می‌شود.

فرق هدیه و رشوه

هدیه و رشوه با هم تفاوت دارند. در هدیه دادن، هدف اظهار دوستی و محبت حلال است، اما اگر همراه با طمع و توقع باشد، رشوه و حرام است. معاذ بن جبل از رسول خدا^(ص) نقل می‌کند که فرمودند: «اگر کسی به شما عطیه و ارمغانی داد، مادامی که عطیه به شمار رفت، یعنی در دادش به جز ثواب طمعی نداشت، گرفتن آن حلال است، اما اگر اسمش عطیه باشد، اما در واقع رشوه‌ای بود که آن را به طمع دین شما به شما داده‌اند، در آن صورت گرفتن آن حرام است، اگرچه ممکن است این رشوه، فقر شما را از بین ببرد یا شما را از ترس دشمن ایمنی دهد. با این همه با آن فقر و در آن ترس به سر بپرید و راضی نشوید که رشوه، دین شما را تباه سازد.» (دارالمنثور، ج ۲، ص ۳۰۰)

روشنا

پیامبر خدا^(ص): مَنْ رَجَمَ وَ لَوْ دَبِيحَةً غُفِرَ، رَجْمُهُ... یوم القیامه . (کنز العمال: ۱۵۶۱۴)

چشم‌هایی که بی‌نور شد

خَيْرُ الْخَاصِمِينَ. (یوسف: ۸۰)

برادر یوسف از داوری خدا گفت و بهترین داوری کردن او...

گفتم بعضی با رگشت‌ها سخت است، مخصوصاً اگر مجبور باشی وقتی برمی‌گرددی، سرت پایین باشد و خجالت‌زده باشی؛ اما به نظرم توبه و بازگشت به خدا راحت‌تر است، چون می‌دانیم هر قدر هم کار بدی کرده باشیم، سرافکنده هستیم، پشیمان هستیم، ولی مایوس نه، چون می‌دانیم روی رحمت خدا طور دیگری می‌شود حساب باز کرد.

پسر بزرگ یعقوب گفت برگردید و

احکام

پیامبر خدا^(ص): هر که حتی به لاشه گنجشکی رحم کند، خداوند در روز قیامت بر او رحم آورد.

قصه قرآنی حضرت یوسف

گفتند و جواب پدر همان جوابی بود که وقتی یوسف را بردند و نیاوردند، گفته بود: نفسان کار زشتی را برایتان آراسته و زیبا کرده است. اما خودش را به صبر دعوت کرد. نه هر صبری، صبری زیبا، یعنی تسلیم محض خدا. با وجود این، امید داشت به اینکه دوباره یوسف و بنیامین را به او برگردانند. قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَىٰ أَن يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. (یوسف: ۸۲) یعقوب بعد از آن تنهایی را انتخاب کرد و آن قدر از دوری یوسف گریه کرد که چشمش بی‌نور و سفید شد. وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبِيسَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ. (یوسف: ۸۴)

آیتا... العظمی‌ خامنهای: در فرض مرفوع لازم است از مجتهد حَیّ تقلید نماید و اعمال قبلی ایشان اگر مطابق احتیاط باشد یا بر طبق نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارد از ایشان تقلید نماید، محکوم به صحت می‌باشد.

آیتا... العظمی‌ سیستمانی: در هر دو فرض اگر اعمال او طبق فتوای کسی که باید از او تقلید کند صحیح باشد چیزی بر او نیست.

آیتا... العظمی‌ مکارم شیرازی: عمل کردن به فتوای مجتهد مرده ابتدا جایز نیست هر چند اعلم باشد بنابر احتیاط واجب و توجه داشته باشید چنانچه اعمال شما مطابق فتوای مجتهد زنده باشد صحیح است و گرنه باید اعاده کنید.

آیتا... هادوی تهرانی: ا. اگر مرجعی که انتخاب کرده مساوی یا اعلم از مراجع زنده باشد، تقلید از وی جایز است و اعمال او درست است. ۲. اگر مرجع مزبور فاقد شرایط مذکور باشد، تقلید از او جایز نیست ولی اعمال شخص اگر با فتوای مرجعی که می‌توانسته از او تقلید کند مطابق باشد، اعمال وی صحیح است.